

نگاه روز

پر پروز ایرانشهر، دیروز شوستر امروز اصفهان، فردا کجا؟

عادل جهان آرای: کمتر روزی است که در کشور ماجراهایی تأسف‌انگیز آن هم در حوزه‌های مختلفی از فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی رخ ندهد. شاید بدترین ماجراها به حوزه‌های اجتماعی مرتبط است که در آن احساسات جامعه چریخه‌دار می‌شود. زمانی که جامعه زخمی می‌شود، ترمیم آن زخم از تمام زخم‌ها در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی سخت‌تر است. این روزها ماجرای تعرض به دانش‌آموزان در اصفهان علاوه بر فضای مجازی، فضای واقعی جامعه را هم پر کرده است. حال پرسش این است که جامعه‌ای که زخمی می‌شود و احساساتی که چریخه‌دار می‌شود، برای نفس کشیدن و استمرار خود به چه چیزی باید متوسل شود تا بتواند کمی از سستی زخم پیکر خود بکاهد. وقتی تابستان ماجرای و سپس ماجرای تعرض به دانش‌آموزان در مدرسه‌ای در شهرک غرب رخ داد و نیروهای مسئول از قضایی و امنیتی و انتظامی وارد ماجرا شدند، شاید این گمان تقویت می‌شد که احتمال این که بعداً چنین واقعه‌ای در شهری دیگر رخ دهد، یا ممکن نیست یا آنکه خیلی احتمالش کم است. گرچه خبرهای زیادی از چگونگی برخورد با عامل یا عاملان ماجرای ایرانشهر منتشر نشد و حتی مجازات متهم مدرسه‌ای در شهرک غرب تهران، چندان مشخص نیست. این ماجرا ادامه یافت تا آنکه واقعه شرم‌آور شوستر در هفته‌های اخیر باز فضای مجازی را پر کرد و سروصدای مردم شوستر و سپس تر دیگران

حکایت

درویش بودن بهتر از وزیر بودن

آریوبرزن تلکاجالی: سعادتی که روانش شاداید در گلستان در باب سیرت پادشاهان، حکایت یازدهم می‌گوید: یکی از وزرا معزول شد و به حلقه درویشان درآمد از برکت صحبت ایشان در او سربایت کرد و جمعیت خاطرش دست داد. ملک بار دیگر برو دل خوش کرد و عمل فرمود قبولش نیامد و گفت معزولی به نزد درمندان بهتر که مشغولی. آنان که به کنج عاقبت بنشستند/ندان سگ و دهان مردم بیستند کافز بدریختند و قلم بشکستند/وز دست زبان حرف گیران رستند ملک گفتا هر آینه ما را خردمندی کافی باید که تدبیر مملکت را بشاید. گفت: ای ملک نشان خردمند کافی جز آن نیست که به چنین کارها تن ندهد. همای بر همه مرغان از آن شرف دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد

شوخی خند

اندر حکایت کشف دلیل شلم‌شوریا بودن وضعیت اقتصادی

مازنیار سوادکوهی - طنزنگار: باور بفرمایید که اگر کسی به ما حتی در دوران پیش از کودکی سسختی می‌گفت که باعث می‌شد وجه علمی و اندیشگی ما لکه‌دار شود، در همان ثانیه چند کار را هم‌زمان انجام می‌دادیم. اول احتمالاً بر خوردی قهری می‌کردیم و با طرف قهر می‌شدیم و دیگر تا یک روز قبل از قیامت هم با او صحبت نمی‌کردیم. دوم این که به برخی از رسانه‌ها شکایت می‌کردیم و توی آن کلی گله و شکوه می‌کردیم و حال طرف را می‌گرفتیم. سوم که خیلی هم مهم است، به برخی از مراجع قضایی مثلاً به قوه قضاییه لاهه شکایت می‌کردیم. گفتمیم قوه قضاییه لاهه که بخوابیم ارج و قریش را بالا ببریم، و گرنه خودمان می‌دانیم اسمش چیست. چهارم، برای آنکه حال طرف را بگیریم، می‌رفتیم توی یکی از دانشگاه‌ها الساعه یک دکترای گردن کلفتی می‌خریدیم و مدرکش را توی تلگرام یا فیسبوک یا توئیتر یا اینستاگرام یا ویدئو کلپ یا هر جایی که با دنیای فناوری ارتباط دارد، به اشتراک می‌گذاشتیم تا حسابی سواد و علم خود را به رخ دشمنانمان بکشیم. باور بفرمایید وقتی که دیروز شنیدیم «رتیس» مرکز اسناد مجلس گفت: برخی مدیران اقتصادی سواد تاریخی اندکی دارند» خیلی به ما برخورد، واقعا مگر می‌شود در این مملکت ما مدیری



هوای تهران با شاخص ۱۴۴، برای گروه‌های حساس، در شرایط ناسالم قرار گرفت. عکس: مجید حقدوست / مهر

شعر کهن

امروز با رشیدالدین وطواط

جانا، همه خطاب تو با من جفا بود
 وز من جفات را همه پاسخ وفا بود
 هرگز مباد با تو جفاکار روزگار
 ور چه همیشه کار تو با من جفا بود
 ای نزد من ز جان و دل من عزیز تر
 قصدت همه بجان و دل من چرا بود؟
 با روی تست عشق روا و بدین سب
 هر چان ز تو بروی من آید روا بود
 گویند: دل بپهر نگاری دگر سپار
 هرگز نکوتر از تو نگاری کجا بود؟
 خورشید پیش نقش رخ تو هدر شود
 یاقوت پیش رنگ لب تو هبای بود
 جان مرا همیشه سعادت زیادست
 حاشا! اگر زیاد تو جانم جدا بود

بربود عشق تو دل و دیده ز من و لیک
 با عشق تو غم دل و دیده کرا بود؟
 تا کی تنم ز عشق تو بار بلا کشد؟
 تا کی دلم ز جور تو بار عنا بود؟
 در کش ز جور دامن و می دان: که رسم جور
 در روزگار خسرو عادل خطا بود

شعر معاصر

با احمد رضا احمدی

نشانی خانه خویش را گم کرده ایم
 لطف بنفشه را می‌دانیم
 اما دیگر بنفشه را هم نگاه نمی‌کنیم
 مانمی‌دانیم
 شاید در کنار بنفشه
 دشنه‌ای را به خاک سپرده باشند
 باید گریست
 باید خاموش و تار
 به پایان هفته خیره شد
 شاید باران
 ما
 من و تو
 چتر را در یک روز بارانی
 در یک مغازه که به تماشای
 گل‌های مصنوعی
 رفته بودیم
 گم کردیم

گذرگاه تاریخ

همدلی: امروز ششم دسامبر، ۲۵ روز دیگر سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد. ۱۴ آذر ۹۷ که ۱۰۴ روز دیگر به آغاز سال ۹۸ باقی مانده است. -امروز تاریخ ایران و جهان رخندهای زیادی را به خود دید. برخی از آنها در ادامه برای آشنایی با گذشته در ادامه می‌آید. ۱۳ سال پیش در چنین روزی - ۱۵ آذر یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰ ایران، اندکی پس از برخاستن از فرودگاه مهرآباد، که در این حادثه به دلیل نقص فنی دوباره به سمت فرودگاه برگشت که قبل از فرود در فرودگاه در چند متری فرودگاه روی منازل مسکونی نیروی هوایی سقوط کرد که در این حادثه، ۹۴ نفر شامل نیروی نظامی سپاه و ارتش ایران و از جمله تعداد زیادی از خبرنگاران رسانه‌هایی همچون صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌هایی مثل ایران و همشهری جان باختند. **ویزایی شهر کی‌اف اوکراین توسط نوه چنگیزخان** - ۷۷۹ سال پیش در چنین روزی - ششم دسامبر ۱۲۴۰ میلادی، ۲۳ سال پس از مرگ چنگیز خان، پاتو خان Batu Khan مغول (نوه چنگیزخان و پسر جوجی = جوشی) شهر «کی‌اف» در اوکراین را تصرف و ویران ساخت. منطقه شرق فرارود از جمله نواحی روس نشین و قفقاز شمالی سهم جوجی و پس از او اعقابش شده بود که ۲۵۰ سال بر این منطقه حکومت کردند. اینان زمانی تارو پوی مرکزی هم پیش رفته بودند. **درگذشت وکیل الزعای «کریم خان زند»** - ۲۴ سال پیش در چنین روزی - ۱۵ آذر ۱۱۵۷ شمسی کریم خان زند، مؤسس خاندان پادشاهی زند، در ۷۴ سالگی و در شیراز به خاک سپرده شد. مسجد بازار و حمام وکیل از جمله آثار دوره اوست. کریمخان بعد از نادرشاه افشار توانست قدرت را به دست بگیرد. با آنکه حدود ۳۰ سال حکومت کرد، ولی از تاجگذاری رویگردان بود و خود را وکیل مردم می‌دانست، به همین دلیل به وکیل



اگر کتابی را دوست ندارید نیمه‌کاره رهاش کنید

وقتی کتابی را دوست ندارید چه می‌کنید؟ آیا به خواندنش ادامه می‌دهید؟ یا با عذاب وجدان کنارش می‌گذارید؟ این مطلب را بخوانید تا دریابید قرار نیست در عمر کوتاه خود آثاری را که دوست ندارید بخوانید. آیا از خواندن کتابی که در دست دارید لذت نمی‌برید؟ رهاش کنید. اشکالی ندارد. اجازه انجام این کار را دارید. رهاش کنید. بی‌شک بعضی از خوانندگان از خواندن این جملات عصبانی می‌شوند. خوشبختانه این گروه که اخلاقیات برایشان خیلی مهم است طبق ایده خود درباره به اتمام رساندن خواندن همه کتاب‌ها مجبورند این مطلب را هم تا پایان بخوانند. کتاب‌های زیادی برای خواندن وجود دارد و بر کسی پوشیده نیست که انسان روزی می‌مرد و نامیرا نیست. نمی‌توانید همه کتاب‌های دنیا را در طول حیات‌تان بخوانید؛ حتی اگر تنها انسان روی زمین باشید و کاری جز خواندن نداشته باشید فرصت کافی برای خواندن این همه کتاب را نخواهید داشت. باید بپذیریم که روزی از دنیا خواهیم رفت و کتاب‌هایی هستند که فرصت خواندنشان را نخواهیم یافت. در نظر گرفتن همین موضوع سبب می‌شود وقت‌مان را صرف آثاری نکنیم که دوست نداریم. البته این موضوع بدان معنا نیست که هر کتابی را خیلی زود قضاوت کنید و چون از نظر شما خواندنش سخت است زمان کافی را برایش فراهم نکنید. گاهی غلبه کردن بر همان چالش اولیه سبب می‌شود داستان در نظرتان جذاب‌تر شود. آرام آرام و پس از رمزگشایی یک داستان دنیا و دریچ‌های جدید به رویتان گشوده می‌شود. این دسته کتاب‌ها را نباید کنار

در ششم دسامبر ۱۹۵۶ نلسون ماندلا و ۱۵۶ نفر از مبارزان تبعیض نژادی آفریقای جنوبی دستگیر شدند. ماندلا ۲۷ سال از عمر خود را به علت فعالیت‌های ضد آپارتاید در زندان گذراند و سرانجام در سال ۱۹۹۱ در ریاست جمهوری آفریقای جنوبی رسید.



کادری از گذشته